

تماشا خانه

نگاهی به نمایش دده خانم- بخش پایانی زندگی و رقص در آغوش مرگ!

مژده ایزد

● انتخاب می‌کند پيله تنهایی را به دور خودش ببیجد؛ پيله‌ای که المانش پارچه سفیدی است که از اول نمایش به خودش پیچیده است؛ پيله‌ای خیالی که فکر می‌کند ضامن بقا و امنیتش است و چه بسایارند زن‌هایی که در جایگاه همسر، مادر، کارگر و کارمند این پيله را تنیده‌اند و در وضعیت بقا به‌سر می‌برند، وضعیتی که «ضایت» را فراهم نمی‌کند.او که رها شده است؛ او که به نوعی طرد شده است، او که خود را در مقابل زندگی و مرگ تنها و بی‌پایور می‌داند، ترسیده و برای قرار از این ترس «سبک مقابله‌ای جبران افراطی» را انتخاب کرده است؛ او هر چند با مرده‌ها عجين شده باشد، از مرگ می‌ترسد، اما آداب و رسوم کامل مرگش را بجا می‌آورد و پیش از مرگ به استقبالش می‌رود.در بخش دوم نمایش اما یکبار «زندگی» سر بر می‌آورد. وجه دیگری از شخصیت دده خانم؛ زنانگی، عشق به گرما، رنگ، نور و موسیقی، نیازهای طبیعی انسانی که تا تماشاجی می‌آید از آن لذت ببرد، به سرعت محو می‌شود.دده خانم می‌گوید: «تنهایی این روزا، به تنهایی دیگه‌اس، مثل تنهایی بعد مرگ!»؛ مونولوگی که اوج هوشمندی نویسنده را می‌رساند. دقیقاً همین تنهایی جدید است که روان‌شناسان آن را درپچه‌ای جدید برای رویارویی با خودش می‌دانند. به زن اجازه داده نشده خودش را زندگی کند، خودی که سال‌ها در وجود دیگری حل شده. فرزند ناپیدا، «زندگی نرسته» مادرش بوده و حالا با رفتن او، زن حق دارد دچار یک «سنگوب روانی» شود. شوكی که حتی شخصیتی با باورهای اعتقادی دده خانم را هم به فکر خودکشی می‌اندازد. هر چه باشد او تحمل خودش را ندارد و می‌خواهد این غم، یاس ، اضطراب و درد را به پایان برساند.شاملو می‌گوید: «انسان دشواری وظیفه است» و هرکس تاب این دشواری را نمی‌آورد. تصمیمی برای «فرار»؛ زمزمه‌ای که باز او را درگیر چرخه فرساینده احساس گناه، خشم، افسردگی، ناامیدی و احساس بی‌ارزشی می‌کند.بهر راستی چیست که بتواند به او احساس ارزشمندبودن بدهد؛ جز هویت شغلی‌اش. دده خانم برای جبران این احساس بی‌ارزشی، معیارهای سخت‌گیرانه‌ای ـ پایدها و نیاپدها ـ را به شدت در کارش رعایت می‌کند و به همه ریزه‌کاری‌ها توجه می‌کند تا به این باور برسد که حضورش در این دنیا اثری دارد. **نگاهی نویبه تولد**: «این زندگی از اولشم مرده بود...». انسان می‌داند که به محض آمدن به این دنیا یک روز به مرگ خودش نزدیک می‌شود. اما برای فرار از این واقعیت رو به «بازی» می‌آورد. آداب و رسومی مانند جشن تولد را برگزار می‌کند. خود را غرق زندگی می‌کند تا به پایان نیندیشد و بینشی که دده خانم در میانه زندگی‌اش می‌یابد، بینشی عمیق است که می‌تواند مثل یک شمشری دولبه عمل کند. این آگاهی می‌تواند زن را وادار کند برای زندگی خود معنایی بتراشد و از بودن خود لذت ببرد، با اینکه در بوجی این دنیا غرق شود.به قول اربین پالوم: «ما موجوداتی در جست‌وجوی معنا هستیم که باید با دردسر پرتاب‌شدن به درون دنیایی که خود ذاتا بی‌معناست، کنار بیاییم» و او انتخاب می‌کند که نپذیرد و غرق شود. آنجا که مرده‌شورخانه را توصیف می‌کند: «اینجا غم هست، اما کمتر از بیرون...». این تصویر تکان‌دهنده وادارم می‌کند از خود بیروسم که جامعه با این زن چه کرده است؟ او با خودش چه کرده است؟ و مگر کم دیده‌ایم همسران و مادرانی که بعد از رفتن عزیزشان به گورستان پناه برده‌اند؟ آنها که رها شده‌اند! آنها که آرامش کاذب را نزد یک سنگ قبر می‌جویند آرامشی کاذب از جنس مخدر... آرامشی گذرا که دوام نمی‌آورد. واقعیت مثل یک سیلی به صورت مخاطب می‌خورد. «سیاهی و چرک مرده‌ها، منم سیاه کرد». زنی تنها، در آستانهٔ ۵۰سالگی که با نشانه‌های زوال جسم خود آشنا می‌شود، تسلیم می‌شود و خود را به گرداب فنا می‌کشانند.

هنیان:دقایق پایانی نمایش سرشار است از هذیان‌گویی، توهم و قطع ارتباط با واقعیت موجود. در همین هذیان‌گویی‌ها تمایل به ادامه زندگی خودبنیایی می‌کند. تمایلی که «از ما بهترن» مانعش می‌شوند.این از ما بهترن کیست؟ جز عزیزه مرگی که فریود از آن سخن می‌گوید؛ عزیزه قدرتمند رو به سوی خودتخریبی و نابودی.شونینهاور می‌گوید: «با هر نفس مرگ را که همواره در کمین ماست پس می‌زنیم. اما در نهایت مرگ پیروز می‌شود. زیرا با تولد، مرگ جسم نروشت ما شده است و با قربانی خود تنها برای مدت کوتاهی پیش از بلعیدنش بازی می‌کند. ما تا آنجا که امکان دارد با اشتیاق وافر و نگرانی بسیار، زندگی‌مان را ادامه می‌دهیم. درست مانند وقتی که با تمام توان خود در حباب صابونی می‌دهیم، در حالی که می‌دانیم خواهد ترکید.

سخن پایانی: بر خلاف اکثر نمایش‌های این روزها، این اجرا متکی است بر متن. محتوایی که از دغدغه‌های فراگیر وجودی انسان سخن می‌گوید. کاری که رسالتش تلنگر است، نه سرگرم‌کردن مخاطب. اجرایی که باعث می‌شود تمامی احساسات منفی را تجربه کنید، ترس، اضطراب، خشم، یاس و ناامیدی. اما وقتی چراغ‌های سالن روشن می‌شود، حداقل یک پرسش را در ذهنمان می‌آورد؛ پرسشی سرنوشت‌ساز؛ پرسشی که می‌تواند به زندگی هر تماشاگر این نمایش، معنایی عمیق و وسیع ببخشد و طرحی نو را برای هر کس درآندازد. شک نکنید که از خودتان خواهید پرسید: ارتباط میان من و مرگ، به عنوان آخرین واقعیت موجود در این جهان، چیست؟!

شرق: به فاصله چند روز از تشییع پیکر ناصر ملک‌مطیعی و حواشی روز خاک‌سپاری این هنرمند و واکنش مردم نسبت به گفت‌وگوی تصویری او که از تلویزیون اجازه پخش نگرفت، موجی در رسانه‌ها ایجاد شد که همچنان ادامه دارد، اما جمعه‌شب، ۱۸ خرداد گفت‌وگویی که ماه‌ها بر سر چرایی عدم پخش خود بسیاری را کنج‌کاو دیدنش کرده بود از شبکه ماهواره‌ای «طیش» پخش شد! فیلمی با کیفیت قابل‌قبول که با دوربین موبایل فیلم‌برداری شده بود و البته در میانه‌های این گفت‌وگو اغلب ترس از دیده‌شدن موبایل، تنها تصاویر پاهای و شنیدن صداها را ممکن می‌کرد، اما با همین کیفیت هم می‌توان از محتوای این مصاحبه نوشت.

گفت‌وگویی که در آن زنده‌یاد ناصر ملک‌مطیعی در پاسخ پرسش‌های معمول مدیری با آرامش و احترام از دوستان و حرفه‌اش حرف زد و به تمجید سینمای بعد از انقلاب پرداخت و با وجود بیماری که توان حرکت را از او گرفته بود در میانه‌های صحبت‌هایش با شوخ‌طبعی پاسخ‌گو بود و لذت می‌برد از آنچه در آن لحظه برایش اتفاق می‌افتد؛ این قدر که در پاسخ به پرسش مدیری که شیرین‌ترین لحظه زندگی‌اش چه زمانی بوده؟ از لحظه حضورش در برنامه حرف زد و تنها گلایه‌اش تعدد پله‌های استودیو در شرایط جسمانی سختش بود. او در پاسخ به سؤال مدیری درباره اینکه چرا ایران را ترک نکرد، گفت: «شما تصور کنید من



ناصر ملک‌مطیعی در طبقه پنجاهم در لاس‌وگاس در جکوزی در حال فیلم بازی‌کردن هستم، اما برای من وقتی از زیر بازارچه معیر عبور می‌کنم و لب‌فروش فریاد می‌زند لبو، لذت‌بخش است. اینجا مملکت خودم است و پایم روی زمین است و پدر و مادران ما در اینجا بودند. نسل ما حداقل ریشه

حواشی پخش یک گفت‌وگو

ملک‌مطیعی با آرامش از سینمای ایران گفت

بلندشدنش از کانایه می‌آید، کمکش را رد می‌کند و در مقابل مردمی که ستایشش می‌کند تمام‌قد می‌ایستد و سیاست‌زاری می‌کند.

مردی که روزها بعد از ایسن مصاحبه هنوز هم امیدی برای پخش گفت‌وگو داشت، به مرور امیدش ناامید شد و همین مرد که با دیدن دوربین و تشویق حضار بیماری‌اش را فراموش می‌کرد، دیگر با کمک اطرافیانش هم به‌سختی از جایش بلند می‌شد.

گفت‌وگویی که ماه‌ها چرایی عدم پخشش از رسانه ملی حاشیه‌ساز شده بود، حالا به صورت غیررسمی از شبکه‌ای فارسی‌زبان سر درآورده است و میلیون‌ها بیننده مشتاق به دیدنش نشستند، با این تفاوت که دیگر مخاطب اصلی این برنامه در میانمان نیست و پخش آن به هر شکلی دردی را دوا نمی‌کند.

مدیران تلویزیون نمی‌دانند این نسخه از گفت‌وگو چطور به بیرون انتقال پیدا کرده و در شبکه‌ای فارسی‌زبان پخش شده است و از طرفی موضع صدواسیم‌ا در قبال گفت‌وگویی که تا امروز به صورت رسمی پخش نشده است چیست؟ بدون شک حواشی پخش گفت‌وگوی ناصر ملک‌مطیعی با مهران مدیری و پخش آن از شبکه‌ای ماهواره‌ای با پرسش‌های متعددی روبه‌رو است و باید دید در روزهای آینده چه واکنش‌هایی را در پی خواهد داشت.

داریم و هنوز پایبند سنت‌ها و فرهنگمان هستیم، کجا می‌توانستم شاهد این احترامی که مردم به من می‌گذارند، باشم.

تشویق بی‌امان گردان حاضران در استودیو به وجدش می‌آورد و امید و انرژی را در دلش روشن می‌کند به گونه‌ای که وقتی مهران مدیری برای کمک برای

امیررضا کوهستانی در بلژیک، ایتالیا و فرانسه

دوباره معجونى و محمدزاده در يك تئاتر مشترك

تئاتردوستان در تماشاخانه سنگلج میزبانی می‌کند.

پیام دهکردی

پیام دهکردی نمایش «مرگ و پنگوئن» را بازخوانی محمد چرمشیر را در تئاتر شهر روی صحنه می‌آورد.

پیام دهکردی که اکنون مشغول بازی در نمایش «آلبوموف» به کارگردانی سیاوش بهادری‌راد است، از گفت‌وگو با هنرآتلاین درباره برنامه‌های کاری که پس از ایفای نقش در این نمایش دارد، گفت: بخشی از فعالیت‌های من ادامه کار در مؤسسه تئاتر امید در لاهیجان است و کارهایی که برای این گروه تئاتر برنامه‌ریزی شده و بخش دیگر انجام امور دانشجویی است که به اتفاق دانشجویان لاهیجان در حال پیگیری آن هستیم.

او با اعلام این خبر که قصد اجرای نمایشی در مجموعه تئاتر شهر را دارد، افزود: قصد دارم نمایشی را اواخر تابستان در تئاتر شهر به صحنه بیاورم. این نمایش‌نامه اقتباس و بازخوانی محمد چرمشیر از رمان «مرگ و پنگوئن» اثر آندره کورکوف است. این رمان اثر مطرحی است که در ایران نیز چندین‌بار چاپ شده. این اثر نمایشی با بازخوانی محمد چرمشیر کار بسیار تازه و درخشانی شده است که چندماه‌ی است مشغول کار روی این متن هستم و قرار است به کارگردانی من در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر اجرا شود.

این مدرس و بازیگر تئاتر در ادامه اضافه کرد: رمان «مرگ و پنگوئن» به بخشی از تاریخ ده ۹۰ در اوکراین و روسیه می‌پردازد. این اثر فضای خاص و متفاوتی دارد و انصافاً آقای چرمشیر بازخوانی متفاوتی روی این متن انجام داده است. امیدوارم بتوانیم به‌زودی ترمیناتمان را آغاز کرده و در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر آن را به صحنه بیاوریم. اکنون در حال مذاکره با بازیگران و عوامل نمایش هستیم که در مدت یک یا دو هفته آینده وضعیت روشن خواهد شد و اسامی را اعلام می‌کنیم.

او ضمن اشاره به اینکه هدف من این است که با همان رویکرد گذشته این جشنواره برگزار شود، اظهار کرد: دوره پیشین جشنواره تئاتر امید در مدل و شکلی بسیار ساده و آسان برگزار و از طریق جذب توانمندی‌های دانش‌جودان کارها به صورت سهل انجام شد و امکان اجرای راحت و دیده‌شدن آثار به سادگی فراهم بود. فلسفه برگزاری جشنواره امید بر این اساس بوده است و امیدوارم که در آینده نیز این‌گونه باشد. درصورتی‌که به شکل گذشته امکان برگزاری آن باشد، این راه را ادامه خواهیم داد؛ در غیر این صورت ترجیح می‌دهم به خواش ادامه دهد تا در شرایطی مناسب و در شأن و منزلت خودش برگزار شود.

پیام دهکردی در پایان صحبت‌هایش گفت: در حال برنامه‌ریزی برای تولید چند کتاب صوتی هستم که امیدوارم به‌زودی امور مربوط به آن انجام شود.



روی صحنه برود، به جزئیات روابط آدم‌ها با یکدیگر می‌پردازد.

حسن معجونى پیش از این و در سال ۹۶ نمایش‌های «ماجرای مترانپاز» و «سه خواهر» را در تماشاخانه پالیز و تماشاخانه ایرانشهر به صحنه برد و در بهار سال ۹۷ نمایش «ماجرای مترانپاز» را بار دیگر در پردیس تئاتر شهرزاد اجرا کرد.

پرستو گلستانی

نمایش «عکس خانوادگی» با بازی پرستو گلستانی در حرکتی تازه مخاطبان را دعوت به چالشی کرده است که علاقه‌مندان با عضویت در آن می‌توانند این نمایش را به صورت رایگان تماشا کنند. رضا بهرامی در تازه‌ترین تجربه کارگردانی خود سرراغ یکی از متون محمود استادمحمد رفته و از ۲۰ خرداد با نمایش «عکس خانوادگی» از تئاتردوستان در تماشاخانه سنگلج میزبانی می‌کند.

گروه اجرایی این اثر با هدف ایجاد وحدت و همبستگی در بین اعضای خانواده در حرکتی تازه مردم را دعوت به عضویت در چالشی کرده است که علاقه‌مندان با شرکت در آن امکان را پیدا می‌کنند تا به صورت رایگان به تماشای این نمایش بنشینند.

مخاطبان برای شرکت در این چالش باید از خودشان به‌همراه حداقل یکی از اعضای خانواده یا دوستان در حین انجام کارهای روزانه عکس گرفته و آن را با هشتک #نمایش_عکس_خانوادگی برای گروه اجرایی در فضای مجازی ارسال کنند.

نمایش «عکس خانوادگی» تا پایان تیرماه در تماشاخانه سنگلج به صحنه می‌رود و در پایان هر هفته از اجرای خود، به اعضای داخل سه عکس منتخب که در این کمپین شرکت کرده و بیشترین لایک را از سوی مردم کسب کرده‌اند، این امکان را می‌دهد تا به صورت رایگان به تماشای این نمایش بنشینند.

لایک عکس‌ها باید به صورت حقیقی باشد و در صورت استفاده از روایت، عکس مربوطه از مسابقه خارج می‌شود.

«عکس خانوادگی» یکی از آثار کمترکارشده محمود استادمحمد است که قرار بود در سال ۸۵ توسط او با بازی پرستو گلستانی و مرتضی

ضرابی به صحنه برود که به دلایلی نامعلوم مجوز اجرا نگرفت و در تمرین باقی ماند.

این نمایش روایت زندگی زنی تنهاست که با مشکلات زیادی مواجه

بوده و همین مشکلات سبب ایجاد مسائلی در حال شده است...

پرستو گلستانی، مهران امام‌بخش و امیر عبدالپروو بازیگرانی هستند

که در این اثر ۴۵ دقیقه‌ای به ایفای نقش می‌پردازند.

نمایش «عکس خانوادگی» تا پایان تیرماه ه‌رشب ساعت ۲۰ از ۱۱ به شایستگی و تجربیات ارزنده جناب‌عالی به موجب این حکم به‌عنوان «رئیس کمیته راهبردی آموزش‌های مهارتی» منصوب می‌شوید. امید است با اتکا به عنایات خادون متعال در انجام وظایف محوله موفق باشید.»

گفتنی است، دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ

گروه هنر: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی سیدمجتبی حسینی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به‌عنوان رئیس کمیته راهبردی آموزش‌های مهارتی منصوب کرد.

در حکم سیدعباس صالحی آمده است: «به استناد تصوره ۳ ماده ۵ آیین‌نامه آموزش‌های مهارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با توجه

زیر آسمان فیروزهای

آغاز اکران اینترنتی مستند «توران خانم»



● گروه هنر: ۲۶ خرداد،

همزمان با زادروز توران میرهادی، اکران اینترنتی مستند «توران خانم»،

به کارگردانی رخسان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب آغاز

می‌شود.رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب از مهر ۱۳۹۱ تا آبان ۱۳۹۵ و آخرین روزهای حیات خانم میرهادی همراه او بودند و لحظات زندگی و تلاش‌هایش برای انتشار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را ثبت کردند. ماحصل این کار، مستند «توران خانم» است که به‌عنوان هفتمین فیلم از مجموعه فیلم‌های مستند «کارستان» آماده نمایش شده است.توران میرهادی، معمار نهادهای کودک‌ی و مادر علم تعلیم و تربیت نوین در ایران، بنیان‌گذار «مدرسه فرهاد»، «شورای کتاب کودک» و «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان» و بسیاری از نهادهای دیگر در زمینه کودکان این سرزمین است. در این فیلم، تلاش‌ها و نگرانی‌های توران خانم در اوایلین سال‌های زندگی‌اش را برای تداوم کارها و اندیشه‌هایش برای رشد کودکان این سرزمین خواهید دید.رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب قصد دارند با به‌کارگرفتن ایده‌ای نو، فیلم «توران خانم» را در فضای اینترنت، همزمان در داخل و خارج از کشور اکران کنند و تمام درآمد حاصل از فروش بلیت این اکران را در اختیار «شورای کتاب کودک» و «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان» قرار دهند.مستند

«توران خانم» همزمان با روز تولد توران میرهادی از ساعت ۷ بعدازظهر روز ۲۶ خرداد فقط ۴۸ ساعت در شبکه اینترنتی هاشورون نمایش داده خواهد شد. تهیه بلیت از ۱۲ خرداد از طریق سایت‌های هاشور، تیوال و سینماتیکت مقدور است. پیش از «توران خانم»، رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب در یک همکاری مشترک دیگر مجموعه فیلم‌های مستند «کارستان» را طراحی و تهیه کرده‌اند که شامل شش فیلم مستند از سرگذشت کارآفرینان و ارزش‌آفرینان ایرانی در حوزه‌های مختلف کار و تلاش است که هر فیلم را یک مستندساز ساخته است.

خواننده ترک مجوزی برای اجرای کنسرت در ایران ندارد

● گروه هنر: دفتر موسیقی وزارت ارشاد اعلام کرد

هیچ‌گونه مجوزی برای اجرای خواننده استانبولی در ایران صادر نشده است.در پی انتشار اخباری مبنی‌بر برنامه‌ریزی برای اجرای کنسرت الیاس یالچینتاش در ایران، دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد هیچ‌گونه مجوزی برای این برنامه در ایران صادر نکرده است.این دفتر، ضمن تأیید دریافت درخواست صدور مجوز برای خواننده مذکور توسط شرکتی ایرانی، عدم تناسب برنامه و خواننده یادشده با مختصات فرهنگی کشورمان را دلیل عدم صدور مجوز اعلام کرده و مسئولیت هرگونه برنامه موسیقایی فاقد مجوز مناطق آزاد کشور را برعهده مسئولان و مدیران مناطق یادشده دانسته است.

تأمید نمایشگاه «لوردر تهران» ۸ مرداد

● گروه هنر: نمایشگاه «لوردر تهران» که ۵۶ اثر

تاریخی «موزه لورور پاریس» را دربر می‌گیرد، به‌دلیل استقبال کم‌نظیر مردم تا هشت مرداد سال جاری تمدید شد. محمدحسن طایبان، معاون میراث فرهنگی، با اشاره به تلاش‌های صورت‌گرفته، گفت: «این نمایشگاه با توافق رسمی رئیس کل موزه لورور، ژاک لکل مارتینتز، تا ۳۰ جولای، برابر با هشت مرداد، به مدت پنج ماه به این موزه منتقل شدند». جبرئیل نوکنده تأکید کرد: «این نمایشگاه‌ها اثر این نمایشگاه مهند تمدن» در موزه درنتز، هنر آسن (Aasen) هلند از ۲۶ خرداد امسال تا ۲۷ آبان به مدت پنج ماه برپا خواهد بود». به گفته نوکنده، انتقال آثار منتخب نمایشگاه بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، در روز پنجشنبه، ۱۷ خرداد، با تهمیدات ویژه امنیتی در هر دو کشور به موزه درنتز انجام شد. او تأکید کرد: «در این نمایشگاه ۱۱۹۶ اثر از بیش از ۷۰ مکان باستانی مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم تا دوره صفوی از موزه ملی ایران انتخاب شده است. کارشناسان دو موزه تلاش کردند مجموعه‌ای مناسب و متنوع از دوره‌های مختلف و در شان فرهنگ و تمدن ایران را انتخاب کنند». نوکنده قدیمی‌ترین اثر این نمایشگاه را متعلق به غار «درنبد رشنی» در کیلان با قدمت بیش از ۲۰۰ هزار سال دانست. موزه درنتز در شهر آسن در استان درنته در شمال هلند است و بیش از ۱۶۰ سال قدمت دارد. این موزه آثاری از دوره‌های پیش از تاریخ تا هنر معاصر را در خود دارد.